

## Depicting the Optimal Governance in the Islamic Republic of Iran Based on Upstream Documents

Mohammad Ayubipour<sup>1</sup> | Hakim Ghasemi<sup>2</sup> | Mohammad Rahim Aivazi<sup>3</sup> | Einollah Keshavarz Turk<sup>4</sup> | Farhad Darvishi Se Telani<sup>5</sup>

### Abstract

The theory of good governance has emerged after the theories of big government and small government in the field of public administration, which defines different and sometimes contradictory roles compared to previous models of governance. In this theory, public administration of society is a participatory process and its actors are the government, the private sector and civil society, each of which has a specific share in the proper management of society. Given that the concept of good governance is a normative concept, it will be designed and presented based on the values and mental origins of theorists. Although some of the teachings of this theory can be used, but the desired model of governance for the political system of any country, except for its culture, religion and environment can not be designed and presented. On the other hand, the upstream documents in any system of government show the principles, values, goals and ideals of that system, which can be considered as the main source for depicting the desired governance of that system. The purpose of this study is to illustrate the good governance of the Islamic Republic of Iran based on official and approved upstream documents of the country. Research Method In the present study, the data method is the foundation. In this research, first 58 strategic and official documents in the system of the Islamic Republic of Iran have been counted, and then the concepts, categories and finally the desired image of the government of the Islamic Republic of Iran have been modeled by coding and using MAXQDA software. According to the results, good governance in the Islamic Republic of Iran requires playing a role in the field at home and abroad. Roles of good governance inside the country including dignity, education, justice, security, livelihood and progress and roles of good governance abroad in 5 areas of the Islamic world, Imamate, the oppressed of the world, support, international organizations, guidance, system of domination, Resistance and other countries are considered partnerships. After determining the roles appropriate to the areas, the model of optimal governance is modeled based on the method of Strauss and Corbin. According to this model, the central phenomenon of education is causal conditions, basic security conditions, intervening conditions of partnership, and strategic categories are the roles of resistance, justice and progress, and finally consequential categories include the roles of livelihood, Imamate, guidance and Support is provided.

**Keywords:** Imaging, Good Governance, Islamic Republic of Iran, Grounded Theory, Islamic Governance.

DOR: 20.1001.1.22516980.1401.30.2.4.5

1. Ph.D. Candidate , Department of future studies, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran.
2. Corresponding author: Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran. [Ghasemi@ikiu.ac.ir](mailto:Ghasemi@ikiu.ac.ir)
3. Full Professor, Department of Political Science, Shahid University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Future Studies, Imam Khomeini Internatinal University (RA), Qazvin, Iran.
5. Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran.

2

Vol. 30  
Summer 2022

Research Paper

Received:  
28 April 2021  
Accepted:  
17 July 2022  
P.P: 131-171

ISSN: 2251-6980  
E-ISSN: 2645-5234



## مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۲/۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۴/۲۶

صص: ۱۳۱-۱۷۱

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱  
الکترونیکی: ۵۳۳۴-۲۶۴۵

## تصویرپردازی از حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اسناد بالادستی

محمد ایوبی پور ۱ | حاکم قاسمی ۲ | محمد رحیم عیوضی ۳ | عین اله کشاورز ترک ۴ | فرهاد درویشی سه تلانی ۵

## چکیده

نظریه حکمرانی خوب پس از نظریات دولت بزرگ و کوچک در حوزه اداره عمومی مطرح شده است که نقش‌های متفاوت و بعضاً متناقضی را نسبت به الگوهای قبلی برای حاکمیت تعریف می‌کند. در این نظریه، اداره عمومی جامعه، فرایندی مشارکتی است و نقش‌آفرینان آن، دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی هستند که هر یک سهمی مشخص در اداره مطلوب جامعه بر عهده دارند. با توجه به اینکه مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، مفهومی هنجاری است، در نتیجه مبتنی بر ارزش‌ها و خاستگاه ذهنی نظریه‌پردازان طرح و ارائه خواهد شد. با اینکه می‌توان از برخی آموزه‌های این نظریه استفاده نمود، اما الگوی مطلوب حکمرانی برای نظام سیاسی هر کشور مستثنی از فرهنگ، مذهب و بوم آن قابل ارائه نیست. از طرفی اسناد بالادستی در هر نظام حاکمیتی، مبین اصول، ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های آن نظام است که می‌توان آن را به عنوان منبع اصلی برای تصویرپردازی از حکمرانی مطلوب مد نظر آن نظام در نظر گرفت. هدف از این پژوهش، تصویرپردازی حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اسناد بالادستی رسمی و مصوب کشور می‌باشد. روش پژوهش در تحقیق حاضر، روش داده‌بنیاد است. در این پژوهش، ابتدا ۵۸ سند راهبردی و رسمی در نظام جمهوری اسلامی احصاء و سپس به روش کدگذاری و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، مفاهیم، مقوله‌ها و در نهایت، تصویر مطلوب از حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مدل‌سازی شده است. بر اساس نتایج یافته‌ها، لازمه حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران، نقش‌آفرینی در عرصه داخلی و خارج از کشور است. نقش‌های حکمرانی مطلوب در داخل کشور، شامل: کرامت، تربیت، عدالت، امنیت، معیشت و پیشرفت و نقش‌های حکمرانی مطلوب در خارج از کشور در ۵ عرصه جهان اسلام، امامت، مستضعفین جهان، حمایت، سازمان‌های بین‌المللی، هدایت، نظام سلطه، مقاومت و سایر کشورها و شراکت در نظر گرفته شده است. پس از تعیین نقش‌ها، متناسب با عرصه‌ها، مدل‌سازی الگوی حکمرانی مطلوب بر اساس روش استراوس و کوربین صورت گرفته است. بر اساس این مدل، پدیده محوری تربیت، شرایط علی کرامت، شرایط زمینه‌ای امنیت، شرایط مداخله‌گر شراکت بوده و مقوله‌های راهبردی نیز نقش‌های مقاومت، عدالت و پیشرفت است و در نهایت مقوله‌های پیام‌دی، شامل نقش‌های معیشت، امامت، هدایت و حمایت در نظر گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: تصویرپردازی؛ حکمرانی خوب؛ جمهوری اسلامی ایران؛ نظریه داده‌بنیاد؛ حکمرانی اسلامی.

DOR: 20.1001.1.22516980.1401.30.2.4.5

۱. دانشجوی دکتری رشته آینده پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. Ghasemi@ikiu.ac.ir

۳. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۴. استادیار، گروه آینده پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

۵. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

## مقدمه

ایجاد دولت و حکومت از ضروریات هر اجتماع بشری است. اداره زندگی بشری نیاز به حکومت دارد تا قوانین و مقررات را برقرار سازد و مناسبات انسانی را سازمان دهد. از طرفی انسان موجودی اجتماعی است و بدون عضویت در جامعه نمی‌تواند زندگی مادی و معنوی خود را سامان دهد. منکران وجود دولت یا حکومت، این حقیقت اجتماعی انسانی را نادیده گرفته و انسان را در زمره حیوانات و نباتات به حساب می‌آورند. به همین دلیل از مبدأ تاریخ، همیشه نوعی دولت یا اداره عمومی در قالب قبیله محوری و یا سایر سازوکارهای اجتماعی وجود داشته است.

سه مفهوم حاکمیت، حکمرانی<sup>۱</sup> و حکومت‌داری، معانی مشابهی دارند که با تفاوت‌های اندکی بر شیوه اداره عمومی جامعه در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دلالت دارد. از زمان شکل‌گیری نخستین تمدن‌های بشری، بشر همواره به دنبال راهی برای اداره بهتر امور جمعی بوده و با گذشت قرن‌ها، تجربه‌های مختلفی در زمینه حکومت‌داری کسب کرده است.

در دین مقدس اسلام نیز مسأله حکومت و حکمرانی به عنوان ضروری‌ترین اقدام جهت پیاده‌سازی دین خدا تأکید شده است. در آیات متعددی از قرآن کریم به مسائل مربوط به حکمرانی اشاره شده است. از سوی دیگر تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر در سال‌های ابتدایی بعثت و اهتمام ائمه معصومین به تشکیل حکومت و مبارزه با حکومت‌های جائز زمان خود نیز مؤید ضرورت این امر می‌باشد. شیخ مفید درباره ضرورت تشکیل حکومت، در بیان شرح وظایف حاکم اسلامی به این امر مهم و کلیدی در مباحث اندیشه سیاسی اشاره کرده و اجرای حدود الهی را ضرورتی اساسی برای تشکیل حکومت اسلامی می‌داند. (امامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۱-۶۸)

امروز شیوه اداره عمومی کشورها به دلیل توسعه فناوری‌ها، بخصوص در حوزه ارتباطات شکل پیچیده و به هم پیوسته‌ای به خود گرفته است. عدم کامیابی نظرات مدیریت دولتی، از جمله دولت بزرگ و دولت کوچک، متفکران این حوزه را برآن داشته تا به دنبال الگویی جایگزین باشند. طی دو دهه اخیر، نظریه جدیدی با عنوان حکمرانی خوب، ابتدا توسط بانک جهانی و

سپس سایر نهادهای بین‌المللی مطرح شد و در ادامه توسط برخی اندیشمندان شرح و بسط داده شد.

در این نظریه، دیگر معیار کارآمدی اندازه دولت نبود و توانمندی و کیفیت نقش‌آفرینی دولت ملاک قرار گرفت. حکمرانی خوب الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه توسط کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شد.

از سوی دیگر حکمرانی خوب نظریه‌ای است که در پی آن اندیشه‌های پنهانی وجود دارد. شاخص‌سازی مادی‌گرایانه، ارزیابی کشورها بر اساس آن و رتبه‌بندی آن‌ها، منجر به ایجاد رقابتی مذبحانه در سطح بین‌الملل در حرکت به سمت اهداف طراحان آن شده است. اعطای کمک‌های مالی به کشورهایی که عملکرد مناسب در این شاخص‌ها دارند از باب ایجابی و تحریم‌ها و مجازات‌های بین‌المللی برای کشورهای با عملکرد پایین از بعد سلبی، ابزارهای همراه‌سازی کشورها با این برداشت از حکمرانی شده است.

به عبارتی می‌توان گفت حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی پیشروی کشورهای جهان سوم ترسیم کرده‌اند و حرکت روی این نقشه، تأمین‌کننده منافع کشورهای مسلط است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۶۹-۹۳). براین اساس، نظریه حکمرانی خوب نمی‌تواند الگوی مناسبی برای تعالی و پیشرفت همه کشورها، بخصوص کشورهای اسلامی باشد، زیرا اولاً شاخص‌سازی آن مبتنی بر نگاه مادی‌گرایانه و مبتنی بر جهان‌بینی مادی است و ثانیاً همین شاخص‌های مادی نیز نتوانسته‌اند کارایی خود را اثبات کنند و در بسیاری از کشورها و حتی خود کشورهای طراح آن، منجر به بحران‌های اقتصادی و به تبع آن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده است.

حکمرانی مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران در چهار وجه ماهیت‌شناسی، فرجام‌شناسی، بوم‌شناسی و روش‌شناسی با سایر الگوهای حکمرانی از جمله حکمرانی خوب تفاوت دارد و این امر، لزوم پرداخت نقادانه به نظریه حکمرانی خوب و بازتعریف ماهوی آن را ایجاب می‌کند.

در وجه **ماهیت‌شناسی**، حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی در ابعاد هستی‌شناسی و انسان‌شناسی با سایر الگوهای حکمرانی متفاوت است. بعد هستی‌شناسی، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا می‌داند و این خداوند است که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته

است. بنابراین هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص دیگری قرار دهد. ۱. در بعد انسان‌شناسی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و بر اساس تعالیم اسلامی، همواره ارزش‌های معنوی بر مصالح مادی مقدم است. بر این اساس، هر توسعه و پیشرفتی که منجر به حذف یا تخریب ارزش‌های معنوی شود، مردود است. در وجه **فرجام‌شناسی**، حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی به دنبال یک حرکت پیش‌رونده و پیش‌برنده است که منجر به تحقق اهداف انقلاب اسلامی خواهد شد. افق آرمانی انقلاب اسلامی، ایجاد امت واحده اسلامی یا به عبارتی تشکیل تمدن نوین اسلامی است که در نهایت منجر به زمینه‌سازی ظهور حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ایجاد حکومت مهدوی خواهد شد. حکومت مهدوی حکومتی الهی است که برنامه اصلاح امور دین و دنیای بشریت را دارد و خلق را به سوی عبودیت و بندگی الهی و آزادی از بندگی غیرالهی رهنمون می‌سازد.

در وجه **بوم‌شناسی**، خاستگاه اصلی در طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی کشور ایران است. در صورتی که این موضوع درست و کامل صورت نگیرد، الگوی طراحی شده کارآمدی لازم را نخواهد داشت. فرهنگ جامعه ایران، بخصوص بعد از انقلاب اسلامی بسیار متفاوت از فرهنگ و سبک زندگی کشورهای غربی و شرقی بوده و الگوی حکمرانی بومی خود را می‌طلبد. در این الگو، فرهنگ و تمدن جامعه ایرانی به عنوان خاستگاه تمدنی در نظر گرفته شده و مبتنی بر عرف رایج ساری و جاری باز تعریف خواهد شد.

در وجه **روش‌شناسی**، معرفت منحصر به حواس ظاهری و تنها مبتنی بر تجربه نیست، بلکه علاوه بر تجربه معارف عقلانی و وحیانی نیز از منابع قدرتمند معرفت به شمار می‌رود. سایر الگوهای حکمرانی، روش دستیابی به معرفت را منحصراً مبتنی بر روش تجربی می‌دانند که ضمن آن که متزلزل و غیر قابل اتکا است، مدام هم در معرض تغییر می‌باشد. ولی در حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی، ابتدا اصلی بر آموزه‌های الهی و وحیانی است و در مورد روش‌های تجربی، یافته‌ها در بوته نقد آموزه‌های الهی و وحیانی قرار گرفته و صحت و اعتبار آن‌ها سنجیده می‌شود.

مقام معظم رهبری در تبیین اهداف انقلاب اسلامی، فرایند ۵ مرحله‌ای<sup>۱</sup> را ترسیم نمودند. در اندیشه ایشان، غایت حرکت انقلاب اسلامی تمدن‌سازی نوین اسلامی است و این امر تحقق نخواهد یافت، جز با طی فرایند و مراتبی که اولویت در آن ساخت درونی و ایجاد یک حرکت پیش‌رونده و گام دوم آن پیش‌برندگی و ایجاد تمدن نوین اسلامی است. فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی مبتنی بر بیان ایشان در دیاگرام زیر نشان داده شده است:



شکل ۱. فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

در فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، مرحله انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (رحمة الله) به وقوع پیوست و نظام شاهنشاهی سرنگون شد و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. در مرحله دوم با تصویب قانون اساسی و در مرحله بعد، بازنگاری قانون در سال ۱۳۶۸، هندسه عمومی نظام جمهوری اسلامی شکل گرفت و به عبارتی نظام اسلامی مستقر گردید. مرحله سوم، مرحله ایجاد دولت اسلامی است و مرحله نهایی که می‌توان تا حدود زیادی آن را اثر وضعی مرحله دولت‌سازی بر شمرد، ایجاد تمدن نوین اسلامی است. مقام معظم رهبری در تشریح وضعیت فعلی دولت اسلامی می‌فرمایند:

«امروزه دولت ما، یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است.<sup>۲</sup> دولت فقط محدود به قوه مجریه نمی‌شود، بلکه همه قوای سه‌گانه و سایر نهادهای حکومت اسلامی نیز مخاطب دولت اسلامی هستند، اما نکته مهم‌تر این است که ارکان و اجزای مورد اشاره با وجود مسئولین آنها هویت پیدا می‌کند. بنابراین مفهوم دولت اسلامی را باید در

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۷۹/۹/۱۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۶/۸/۱۳۸۳.

وهله اول در رفتار و عملکرد مسئولین نظام جستجو کرد و سپس سایر ابعاد آن، از جمله نهادسازی، نظامات اداری و سایر الزامات را مورد توجه قرار داد.»

مسئله اساسی این جاست که با گذشت چهار دهه از استقرار مرحله سوم (استقرار نظام اسلامی) هنوز انقلاب اسلامی نتوانسته از ایستگاه دولت اسلامی یا به عبارتی استقرار مدل مطلوب حکمرانی عبور کند. در ساخت حکمرانی، آرمان‌ها و نظریه‌ها جنبه عملیاتی پیدا کرده و کارآمدی آن‌ها برای نیل به سعادت جامعه معین می‌گردد. از این رو این مرحله، دشوارترین مرحله از فرایند تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

مرحله جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، به نوعی اثر وضعی دولت اسلامی هستند. ایجاد حکمرانی مطلوب را می‌توان مرکز ثقل و پیش‌ران حرکت به سوی اهداف والای انقلاب اسلامی که در نهایت زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌باشد دانست. مبتنی به فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، مسئله اساسی در نظام جمهوری اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی، تشکیل دولت اسلامی است که این امر با ارتقای حکمرانی از وضعیت فعلی به مطلوب امکان‌پذیر است.

در گام دوم انقلاب اسلامی الزامی است در جهت طراحی حکمرانی مطلوب جهت دستیابی به دولت اسلامی، گام‌های جدی برداشته شود و این مسئله و چالش اساسی در مسیر آینده انقلاب است.

نخستین گام در تشکیل دولت اسلامی، تصویرسازی از دولت مطلوب است. این تصویر می‌تواند منجر به ایجاد اشتراک ذهنی و هم‌گفتمانی میان دولتمردان و مردم شود. تصویر مطلوب، تجلی‌بخش آرمان‌ها و ارزش‌های یک ملت است که منبعث از فرهنگ ملی و باورهای دینی آنان می‌باشد. هر تصویرسازی نیازمند داده‌های پایه‌ای است که ابتدا و استناد به آن صورت گیرد. این داده‌های پایه می‌تواند از آرا و اندیشه‌های مراجع فکری، متون دینی و برداشت‌های ذهنی عموم مردم باشد.

در این پژوهش، تصویرپردازی متن پایه و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. برای این موضوع، لازم است استناد به متونی شود که دارای اتقان (علمی و دینی)، رسمیت

(مصوب و ابلاغی)، جامعه‌پذیری (شناخت و پذیرش عمومی) و به روز (مطابق با مقتضیات امروزی) باشد.

با توجه به شاخص‌های فوق، بهترین متون برای استخراج تصویر مطلوب حکمرانی، اسناد راهبردی قانونی، مصوب و رسمی کشور است. این اسناد شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان اصلی‌ترین سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام می‌باشد.

در حوزه روش‌شناسی یکی از روش‌های مناسب برای پرداخت به موضوعات کیفی، روش داده‌بنیاد است. در این روش، متون به صورت نظام‌مند تحلیل و ارتباط بین مؤلفه‌ها و مقوله‌ها مشخص می‌گردد. در پژوهش حاضر با اسناد راهبردی با رویکرد تصویرپردازی و استفاده از روش داده‌بنیاد، تحلیل و تصویر مطلوب از حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران مدل‌سازی شده است.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### تصویرپردازی

تصویرپردازی از آینده در جهت‌دهی به رفتار بشریت عامل مهمی محسوب می‌شود. در واقع تصاویر آینده، انگیزه‌های لازم برای طراحی اقدامات جهت نقش‌آفرینی در جامعه را به وجود می‌آورند. تصاویر آینده از ماهیتی نظام‌مند برخوردار هستند که مبتنی بر اطلاعات شکل گرفته بوده و با آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها تجسم می‌یابند. این تصاویر از ارزش‌ها، باورها و فرهنگ هر گروه از مردم منبعث شده و بر ادراکات بین‌الذهانی مؤثر و شکل‌دهنده بر اقدامات و فعالیت‌های آنان می‌باشد.

به عبارتی می‌توان گفت سعادت و تعالی هر فرد یا جامعه، به طور فزاینده‌ای به وجود تصویر روشن و واضح از آینده از یک سو و کیفیت آن تصویر از سوی دیگر وابسته است. تأثیر این تصاویر بر انگیزش انسانی نیز در همین مسأله نهفته است. با اتخاذ تصمیمات معین، تلاش‌های



بشری به محقق‌سازی تصویر مثبت و مطلوب از آینده و یا پیشگیری از تحقق آینده منفی و نامطلوب معطوف می‌شود (رابین ۱، ۲۰۱۳: ۵۴۰).

در همین راستا آینده‌پژوهی به عنوان فرا رشته مطالعات آینده و آینده‌پژوه در جایگاه طراح، معمار و ارزیاب جامعه، مأموریت تصویرسازی جهت شکل‌بخشی به آینده و گفتمان‌سازی آن جهت اقدام اجتماعی را بر عهده دارد. به عبارت دیگر، مطالعه و بررسی تصاویر آینده، تصویرسازی از آینده، ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن و تلفیق دانش و ارزش برای طراحی اقدام اجتماعی به منظور تحقق تصویر مطلوب و پیش‌گیری از وقوع تصویر نامطلوب، در کانون اهداف و وظایف آینده‌پژوهی و آینده‌پژوه قرار دارد (کمیجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۰۷-۲۳۵).

در مفهوم‌پردازی تصویر، تلاش‌های متعددی شده و از منظرهای مختلفی به آن پرداخته شده است، اما از نگاه آینده‌پژوهانه تصویر، تصویر کلامی است که جنبه خاصی از جهان را در معرض دید قرار می‌دهد و سایر جنبه‌ها حذف می‌شود. در واقع تصویر، گزاره‌های مستدل و منطقی نیست و به برداشت و نوع نگاه تماشاگر یا خواننده برمی‌گردد. در واقع تصویر آینده عکسی است که توجه ما را به ویژگی مهمی جلب می‌کند. تصویر می‌کوشد تا واقعیت پیچیده‌ای را ساده‌سازی کند، بر آن اثر بگذارد و آن را مشخص سازد (رضایان قیه‌باشی و کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۴۲-۱۶۵).

### حکمرانی

دو مفهوم حکمرانی<sup>۲</sup> و حکومت‌داری معانی نسبتاً مشابهی هستند که با تفاوت‌های اندکی بر شیوه اداره عمومی جامعه در تمامی شئون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دلالت دارد. واژه دیگری که عموماً در بسیاری از تحقیقات در کنار این دو واژه قرار می‌گیرد، حاکمیت<sup>۳</sup> است. تفاوت حاکمیت با حکمرانی و حکومت‌داری، اسم بودن آن در مقابل مصدر بودن دو واژه دیگر است. به عبارتی این حاکمیت است که حکمرانی یا حکومت‌داری می‌کند. حکمرانی را به شیوه‌های گوناگون تعریف نموده‌اند.

1. Rubin  
2. Governance  
3. Government

در یک تعریف، حکمرانی را مجموعه فرایندهایی می‌دانند که از سوی یک مرجع (دولت، بازار یا شبکه) بر یک نظام اجتماعی (خانواده، قبیله، سازمان و یا قلمرو...) از طریق قوانین، هنجارها و قدرت وارد شده است (هافتی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱، ۴۰۳-۴۲۴). از دیدگاه انستیتو حکمرانی اتاوا، ترکیبی است از سنت‌ها (قواعد و آداب و رسوم)، نهادها و فرایندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌گردد (گراهام<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳).

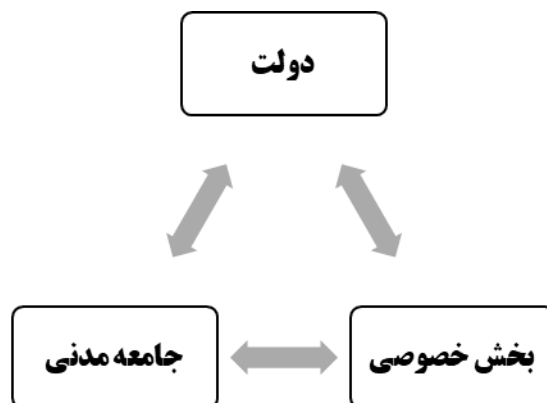
به عبارتی حکمرانی به مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، فرایندها و نهادهایی اطلاق می‌شود که به وسیله آن‌ها جامعه به طور رسمی و غیررسمی به اداره فرایند توسعه و رفع تعارضات می‌پردازد. حکمرانی در سطوح مختلف جهانی، ملی، محلی و همچنین حوزه‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی، علمی و... قابل تعریف می‌باشد. حکمرانی مستلزم حکومت، جامعه مدنی (فعالان اجتماعی و اقتصادی، نهادهای جامعه محور و گروه‌های ساختار نیافته، رسانه‌ها و...) می‌شود (دوئنباس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، ۳-۱۷).

### حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی خوب، ابتدا در سال ۲۰۰۰ توسط کارشناسان بانک جهانی مطرح شد و برای آن شاخص‌هایی را ارائه کردند. شاخص‌هایی همچون: شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، کارآیی و چشم‌انداز استراتژیک از ویژگی‌های حکمرانی خوب معرفی شده است. بر اساس تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب شامل سه رکن است که در شکل شماره (۲) نشان داده شده است:

1. Hufty
2. Graham
3. Doornbos

نشریات دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)



شکل ۲. ارکان حکمرانی خوب

بر اساس این الگو، دولت همان نهاد حاکمیتی و قانونی اداره جامعه، بخش خصوصی بنگاه‌های اقتصادی خرد و کلان و جامعه مدنی نهادهای مردمی غیر انتفاعی، مانند خیریه‌ها و مؤسسات و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد. در این الگو ایجاد بستر مشارکت سایر ذینفعان توسط دولت جای خود را به شراکت هم سطح داده و دیگر این نهاد دولت نیست که عرصه نقش‌آفرینی سایر ارکان را فراهم می‌کند، بلکه فضایی برابر در اختیار هر یک قرار دارد و در ارتباطی متقابل و مشارکت‌جویانه به نقش‌آفرینی می‌پردازند. به عبارتی فضای مراوده‌ای پایاپای، مزیت‌آسایی این الگو از حکمرانی می‌باشد.

### حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی ایران

با توجه به هنجاری بودن واژه خوبی می‌توان دریافت که حکمرانی یک مفهوم ارزشی است. در واقع حکمرانی مطلوب با یک رویکرد هنجاری و ارزش‌مدارانه به تعریف رابطه دو سویه میان دولت و جامعه می‌پردازد. حکمرانی مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران در چهار وجه ماهیت‌شناسی، فرجام‌شناسی، بوم‌شناسی، معرفت و روش‌شناسی مبتنی بر آموزه‌های دین مقدس اسلام، اقتضائات بومی و فرهنگی ایران می‌باشد.

در وجه ماهیت‌شناسی، حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی در ابعاد هستی‌شناسی و انسان‌شناسی با سایر الگوهای حکمرانی متفاوت است. در بعد هستی‌شناسی، حاکمیت مطلق بر جهان از آن خداست و این خداوند است که انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است.

بنابراین هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص دیگری قرار دهد.

در بعد انسان‌شناسی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است که بعد مادی آن، همان جسم فیزیکی و بعد معنوی آن روح است. بر اساس تعالیم الهی، ارزش‌های معنوی و روحانی مقدم و مهم‌تر از ارزش‌های مادی می‌باشد. در بعد هستی‌شناسی هم نظام هستی منحصر به ماده نیست و بر دو قسم مادی و مجرد است. به عبارتی، بخشی از هستی همین جهان مادی و قابل رؤیت است که بخش پیدای هستی است، اما بخش عمده هستی عالم غیب است که از نظر کمیت و تأثیرگذاری قابل مقایسه با عالم مادی نیست. عالم مجرد یا غیب، شامل اموری همچون خدا، فرشتگان، روح، برزخ، قیامت و... می‌باشد.

در وجه فرجام‌شناسی، حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی به دنبال یک حرکت پیش‌رونده و پیش‌برنده است که منجر به تحقق اهداف انقلاب اسلامی خواهد شد. افق آرمانی انقلاب اسلامی، ایجاد امت واحده اسلامی یا به عبارتی تشکیل تمدن نوین اسلامی است که در نهایت منجر به زمینه‌سازی ظهور حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ایجاد حکومت مهدوی خواهد شد. حکومت مهدوی حکومتی الهی است که برنامه اصلاح امور دین و دنیای بشریت را دارد و خلق را به سوی عبودیت، بندگی الهی و آزادی از بندگی غیر الهی رهنمون خواهد ساخت. در وجه بوم‌شناسی، خاستگاه اصلی در طراحی الگوی حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی کشور ایران است. در صورتی که این موضوع درست و کامل صورت نگیرد، الگوی طراحی شده کارآمدی لازم را نخواهد داشت. فرهنگ جامعه ایران بخصوص بعد از انقلاب اسلامی بسیار متفاوت از فرهنگ و سبک زندگی کشورهای غربی و شرقی بوده و الگوی حکمرانی بومی خود را می‌طلبد.

در این الگو، فرهنگ و تمدن جامعه ایرانی به عنوان خاستگاه تمدنی در نظر گرفته شده و مبتنی بر عرف رایج ساری و جاری باز تعریف خواهد شد. در وجه معرفت و روش‌شناسی، معرفت منحصر به حواس ظاهری و تنها مبتنی بر تجربه نیست، بلکه علاوه بر تجربه معارف عقلانی و حیانی نیز از منابع قدرتمند معرفت به شمار می‌رود. سایر الگوهای حکمرانی، روش دستیابی به معرفت را منحصرأً مبتنی بر روش تجربی می‌دانند که ضمن آن که متزلزل و غیر قابل اتکا است،

مدام هم در معرض تغییر می‌باشد، ولی در حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ابتدا اصلی بر آموزه‌های الهی و وحیانی است و در مورد روش‌های تجربی، یافته‌ها در بوت‌نقد آموزه‌های الهی و وحیانی قرار گرفته و صحت و اعتبار آن‌ها سنجیده می‌شود. در حوزه حکمرانی، پژوهش‌های متعددی، بخصوص در دو دهه گذشته صورت گرفته است که می‌توان آن‌ها را در چند گروه طبقه‌بندی کرد:

۱. حکمرانی خوب
  ۲. حکمرانی مطلوب
  ۳. حکمرانی در ایران
  ۴. تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر یک حوزه خاص
  ۵. مقایسه تطبیقی شاخص‌های حکمرانی خوب با اسناد بالادستی
- جدول فراوانی و مقالات بررسی شده در دسته‌بندی فوق، در ادامه آورده شده است:

جدول ۱. دسته‌بندی مقالات بررسی شده در حوزه حکمرانی

ردیف	حوزه	فراوانی
۱	حکمرانی خوب	از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب حکمرانی خوب، بنیان توسعه حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب حکمرانی خوب، شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی حکمرانی خوب، مفهومی نو در مدیریت دولتی تعیین پیش‌ران‌های حکمرانی خوب با استفاده از رویکرد تأثیر متقاطع حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب احمد میدری شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز

فراوانی	حوزه	ردیف
<p>حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی</p> <p>حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته: بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام)</p> <p>مختصات یابی از تصویر مطلوب حکمرانی، زمینه‌ساز ظهور ارائه الگو حکمرانی خدا مدار</p> <p>الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه، گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت</p> <p>بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی (علیه‌السلام)</p> <p>بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی</p> <p>بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (رحمه‌الله)</p> <p>تبلور حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی امام خمینی</p> <p>حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی</p> <p>حکمرانی مردم‌سالارانه</p> <p>سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل بخشی آینده طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک‌اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب</p> <p>مدل اسلامی حکمرانی خوب با رویکرد مبتنی بر قانون اساسی ج.ا.ا.</p> <p>نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه</p> <p>از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار</p> <p>الگوی مطلوب حکمرانی از دیدگاه امام خمینی و سید قطب؛ بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها</p> <p>اندیشه حکمرانی و مبنای مشروعیت سیاسی دولت از منظر امام خمینی (رحمه‌الله)</p> <p>شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی</p>	<p>حکمرانی مطلوب</p>	<p>۲</p>

ردیف	حوزه	فراوانی
۳	حکمرانی در ایران	امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران آینده‌پژوهی حکمرانی خوب در ایران با رویکرد سناریو نویسی تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران حکمرانی در ایران، آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها ارتباط‌سنجی حکمرانی خوب با فرهنگ سیاسی ایران، با تمرکز بر فرهنگ سیاسی شیعه در ایران بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران حکمرانی شبکه‌ای و بررسی موقعیت و چالش‌های آن در ایران سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب، تحلیل تطبیقی فازی بین‌کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸
۴	تأثیر شاخص‌های حکمرانی بر یک حوزه خاص	تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی تأثیر حکمرانی خوب بر جلب رضایت جامعه نسبت به حکومت تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب تحلیل نقش حکمرانی خوب در ارتقای توسعه انسانی تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟ حکمرانی خوب و رشد اقتصادی
۵	مقایسه تطبیقی شاخص‌های حکمرانی خوب با اسناد بالادستی	حکمرانی خوب و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دلالت‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری بیانیه «گام دوم انقلاب»

فارغ از تعاریف و شاخص‌گذاری‌هایی که نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و برنامه عمران سازمان بین‌المللی برای حکمرانی خوب مطرح کرده‌اند، محققان و پژوهشگران

متعددی در داخل و خارج از کشور به تبیین و شاخص‌گذاری حکمرانی خوب یا مطلوب پرداخته‌اند که در جدول (۲) به اهم آن‌ها اشاره شده است.  
جدول ۲. پیشینه پژوهش (منبع نگارنده)

ردیف	مؤلفه‌ها	مرجع
۱	مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، توجه به آرا عمومی و توان جمعی (اجماع)، برابری، اثربخشی و کارایی و چشم‌انداز استراتژیک	بانک جهانی ۲۰۰۰
۲	قاعده‌مندی، شفافیت، کارآمدی و انصاف، ترویج برابری حقوقی، تضمین اینکه اولویت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اساس اجماع جمعی است و اظهارنظرهای فقرا و افراد آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری	برنامه عمران سازمان ملل
۳	پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری دولت (در سطوح مختلف)، انتخاب آزاد و منصفانه، ارزیابی درجه شفافیت، ارزیابی میزان زندگی مشارکتی، ارزیابی حمایت از حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی، پاسخگویی نهادهای اقتصادی، درجه تکنرگرایی رسانه‌ها و میزان تحمل تنوع	ممیزی دموکراتیک (Democratic Audit)
۴	منصفانه، مسئولیت‌پذیر، مشارکتی، مبتنی بر اجماع، پاسخگو، شفاف، کارا و مؤثر و مبتنی بر حاکمیت قانون	کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه (UNESCAP)
۵	تضمین برابری حقوقی، بهبود کارآمدی و پاسخگویی بخش عمومی و کاهش فساد	صندوق بین‌المللی پول (IMF)
۶	احترام به حاکمیت قانون، مشارکت شهروندان، پاسخگویی، مساوات و بردباری، تساوی حقوقی، توانایی برای رقابت در محیط جهانی، توانایی برای کار مشترک و اثربخش، پایداری، رفتار اخلاقی صادقانه و شفافیت	Bovaird & Löffler (۲۰۰۳، ۳۱۳-۳۲۸)
۷	کارآمدی حکومت، فقدان تحمیل‌های قانونی، اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، آدم‌کشی، برابری حقوقی و کنترل فساد	Kaufmann, Kraay, & Zoido-Lobaton (۱۹۹۹)
۸	بخش دولتی سالم امکان‌پذیر است، بر ظرفیت‌سازی در جامعه مدنی، شهروندان آگاه، مشارکت از طریق سازمان‌های داوطلبانه، دموکراسی، رعایت حقوق بشر، قانون‌گذاری اثربخش و کارایی و پاسخگویی	(Naidoo, ۱۹۹۳)



ردیف	مؤلفه‌ها	مرجع
۹	کارایی و اثربخشی، پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، دولت و حق اظهار نظر مردم، کیفیت قوانین و مقررات، مهار فساد	(خاکباز، ۱۳۸۳: ۶۵۵-۷۲۷)
۱۰	سیاست‌گذاری صحیح به وسیله دولت، تنظیم مناسب قوانین، تحت نظارت مردم قرار داشتن حکومت، پدیدار ساختن ثبات در جامعه، احترام مردم و دولت به قوانین، مبارزه با فساد	(یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴: ۳۱-۶۲)
۱۱	مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، اجماع، آزادی عمومی، برابری، اثربخشی و کارایی، چشم‌انداز استراتژیک	(منوریان، ۱۳۷۹: ۴۸ و ۴۹)
۱۲	حاکمیت قانون حق‌محوری و ظلم‌ستیزی، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، عدالت‌طلبی، نظارت‌پذیری حکومت و کارگزاران حکومتی، مبارزه مستمر علیه فساد، مشارکت و مشارکت‌جویی، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت	(شاکری، ۱۳۹۳)
۱۳	خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی کارآمد، نظام اداری کارآمد	(الوانی، ۱۳۸۸: ۱-۵)
۱۴	دموکراسی، عدالت محوری، مشارکت، پاسخگویی	(قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۵-۱۱۱)
۱۵	مشروعیت، پاسخگویی، شایستگی، احترام به حقوق بشر، رعایت قانون	سازمان ماورای بحار انگلستان (ODA) ۱
۱۶	پاسخگویی و حق اظهار نظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد، توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، مبارزه با جهل عمومی، شایستگی کارگزاران، ضرورت مشورت در حکومت	(شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲: ۱-۱۷)
۱۷	استقلال، آزادی، امنیت، برابری و عدالت	(طاهری عطار و دیگران، ۱۳۸۹)

ردیف	مؤلفه‌ها	مرجع
۱۸	حق‌گرا و توحیدی، امنیت‌بخش و مدرن، منطبق بر رفتار صالحان، تعمیق معنویت، آزادی فردی، استقلال حاکمیت، مبتنی بر انتظار فوق‌فعال، عدالت محور، رفاه اقتصادی، سلامت اقتصادی	(ظفری و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۰-۱۱)
۱۹	تلاش بی‌وقفه برای ارائه خدمات عمومی، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاه‌ها، قانون‌گرایی، بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی، پرهیز از تصدی‌گری، تمرکززدایی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات، حفظ سرمایه‌های ملی، توجه به فرهنگ به عنوان محیط زیست انسانی در جامعه، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری در عرصه ملی و جهانی	(ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۹۳-۶۹)
۲۰	توجه به حاکمیت قانون، مشارکت مردم، عدالت‌جویی، اعتمادسازی، و پاسخگویی حکومت به مطالبات مردمی	(عبوسی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۱۷)

پژوهش‌های متعددی در کشور در راستای دستیابی به الگوی حکمرانی مطلوب صورت گرفته است، اما در غالب این پژوهش‌ها به بررسی شاخص‌های حکمرانی مطلوب از مناظر مختلف، از جمله قرآن، نهج‌البلاغه، دیدگاه‌های امام خمینی (رحمه‌الله) و مقام معظم رهبری (مدظله) و... پرداخته شده است. به عبارتی فقدان رویکرد الگوسازی مبتنی بر نگاه سیستمی که بتواند نسبت شاخص‌ها با یکدیگر، درجه اهمیت شاخص‌ها و اولویت شاخص‌ها را مشخص نماید، کاملاً مشهود است. در همین راستا برای پوشش این خلأ، در این پژوهش سعی شده با رویکرد آینده نگارانه مبتنی بر اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی، الگوی حکمرانی مطلوبی طراحی گردد.

## روش پژوهش

در این پژوهش برای طراحی تصویر مطلوب حکمرانی از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. نظریه داده‌بنیاد، روش منسجم و منظم برای پرداخت به پژوهش‌های کیفی است که از طریق گردآوری مستند و منظم داده‌ها و سازماندهی انباشتی آن‌ها به ایجاد یا خلق یک نظریه کمک می‌کند. نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق

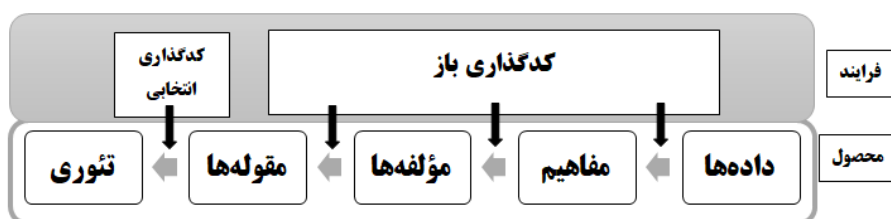
گردآوری سازمان یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده، به منظور پاسخگویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هر گونه فرضیه و آزمون آن هستند» (منصوریان، ۱۳۸۶).

در روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد، از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و مد نظر قرار دادن همه جنبه‌های بالفعل و بالقوه مرتبط با موضوع تحقیق به تولید یا کشف نظریه بر مبنای حقایق و واقعیات موجود پرداخته می‌شود. در واقع، داده‌ها جمع‌آوری شده و در یک سیر تکاملی به ساخت یک تئوری در حرکت هستند.

لازم به ذکر است در جریان این کدگذاری‌ها، پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری نظری و با توجه به مفاهیم پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها در مورد افراد، رخدادها و موقعیت‌های مختلف می‌پردازد که تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل فراهم خواهند کرد (مهرابی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵-۳۰). در ادامه، با کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها پالایش می‌شوند. سرانجام با کشف ارتباط بین مقوله‌ها، مدل‌سازی صورت و تئوری شکل می‌گیرد.

### مراحل نظریه داده‌بنیاد

مراحل نظریه داده‌بنیاد، در شکل شماره ۳ نشان داده شده است:



شکل ۳. فرایند روش داده‌بنیاد (منبع نگارنده)

## مرحله اول: تعیین موضوع

اولین گام در نظریه داده‌بنیاد، تعیین موضوع تحقیق است که در این تحقیق، حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است.

## مرحله دوم: جمع آوری داده‌ها

در نظریه داده‌بنیاد، تحقیق با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق، با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج موارد مرتبط پدیدار می‌گردد (اخوان و جعفری، ۱۳۸۵: ۳۷-۶۱). جمع آوری داده‌ها، در روندی کاملاً انعطاف‌پذیر صورت می‌گیرد. اسناد، مصاحبه‌ها، مشاهدات، روزنامه‌ها و... از جمله منابع رایج برای جمع آوری داده‌ها هستند. در نظریه داده‌بنیاد، گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که محقق اطمینان حاصل کند ادامه گردآوری چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. بنابراین پژوهشگر ناگزیر است گردآوری را تا رسیدن به «نقطه اشباع» ادامه دهد. یکی از نشانه‌های نقطه اشباع، روبه‌رو شدن با داده‌های تکراری است. (Sousa & Headriks, ۲۰۰۶، ۳۱۵-۳۳۸).

در این پژوهش، اسناد بالادستی مصوب در نظام جمهوری اسلامی به عنوان متون اصلی در نظر گرفته شده است. تعداد این اسناد ۵۸ سند بوده که در ۴ دسته اسناد کلان، سیاست‌های برنامه‌های توسعه و سیاست‌های کلی نظام (بخشی) در نظر گرفته شده است. عناوین این اسناد و تاریخ تصویب و ابلاغ آن‌ها در جدول شماره (۳) آورده شده است.

جدول ۳. اسناد بالادستی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران

ردیف	دسته‌بندی	سند	تاریخ تصویب و ابلاغ
۱	اسناد راهبردی	قانون اساسی	مصوب ۵۸/۸/۲۴
۲		بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	ابلاغی ۹۷/۱۱/۲۲
۳		الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت	ابلاغی ۹۷/۷/۲۲
۴		سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی	ابلاغی ۱۳۸۲/۰۸/۱۳ - مصوب ۱۳۸۲/۷/۲۶

ردیف	دسته‌بندی	سند	تاریخ تصویب و ابلاغ
۵		قانون برنامه اول توسعه	مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۱۱
۶	سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه	سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه کشور	ابلاغی - مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۸
۷		سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه کشور	ابلاغی مصوب ۱۳۷۸/۲/۱۲
۸		سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه کشور	ابلاغی ۱۳۸۲/۹/۱۱ - مصوب ۱۳۸۲/۸/۱۰
۹		سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور	ابلاغی - مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱
۱۰		سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم توسعه کشور	مصوب و ابلاغی ۱۳۹۳/۴/۹
۱۱			سیاست‌های کلی نظام در بخش شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای
۱۲	سیاست‌های کل نظام (بخشی)	سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی	ابلاغی - مصوب ۱۳۷۷/۷/۱۱
۱۳		سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی	ابلاغی - مصوب ۱۳۷۷/۱۰/۲۳
۱۴		سیاست‌های کلی نظام در بخش منابع طبیعی	ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳ - مصوب ۱۳۷۸/۳/۲
۱۵		سیاست‌های کلی نظام در بخش منابع آب	ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳ - مصوب ۱۳۷۸/۵/۹
۱۶		سیاست‌های کلی نظام در بخش معدن	ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳ - مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۷
۱۷		سیاست‌های کلی نظام در بخش اقوام و مذاهب	مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۲
۱۸		سیاست‌های کلی نظام در بخش حمل و نقل	ابلاغی ۱۳۷۹/۱۱/۳ - مصوب ۱۳۷۹/۲/۳
۱۹		سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت قضایی	ابلاغی ۱۳۸۱/۷/۲۸ - مصوب ۱۳۷۹/۸/۲۸
۲۰		سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی	مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۸
۲۱		سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت ملی در پنج حوزه (داخلی، خارجی، دفاعی، فرهنگی و اقتصادی)	مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۸

ردیف	دسته‌بندی	سند	تاریخ تصویب و ابلاغ
۲۲	سیاست‌های کل نظام (بخشی)	سیاست‌های کلی نظام در بخش شهرسازی	مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۷ - ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۲۳		سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن	مصوب ۱۳۸۱/۹/۲ - ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۲۴		سیاست‌های کلی نظام در بخش ارتباطات مخابراتی و پستی	مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۰۶
۲۵		سیاست‌های کلی نظام در خصوص تشویق سرمایه‌گذاری	مصوب ۱۳۸۲/۹/۸ - ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۲۶		سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه فناوری	مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۲
۲۷		سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ - مصوب ۱۳۸۳/۹/۲۱
۲۸		سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی	مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۲
۲۹		سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی	مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۵
۳۰		سیاست‌های کلی نظام برای پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه	ابلاغی ۱۳۸۴/۶/۲۵ - مصوب ۱۳۸۴/۲/۳
۳۱		سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی	مصوب ۱۳۸۴/۴/۱۱ - ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹
۳۲		سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت	مصوب ۱۳۸۴/۵/۲۲ - ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹
۳۳		سیاست‌های کلی نظام، در خصوص وحدت و همبستگی ملی	مصوب ۱۳۸۴/۱۱/۱۵
۳۴		سیاست‌های کلی نظام برای حفظ شأن و استقلال قضات	مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۲۷

ردیف	دسته‌بندی	سند	تاریخ تصویب و ابلاغ
۳۵	سیاست‌های کل نظام (بخشی)	سیاست‌های کلی نظام برای ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران	مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۶ - ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۳۶		سیاست‌های کلی بند «ج» اصل چهل و چهار قانون اساسی	ابلاغی - مصوب ۱۳۸۵/۴/۱۲
۳۷		سیاست‌های کلی نظام، در خصوص مبارزه با مواد مخدر	ابلاغی ۱۳۸۵/۹/۵ - مصوب ۱۳۸۵/۷/۱۲
۳۸		سیاست‌های کلی نظام اداری	ابلاغی ۱۳۸۹/۱/۱۴ - مصوب ۱۳۸۶/۲/۱۵
۳۹		سیاست‌های کلی پدافند غیرعامل کشور	۱۳۸۶/۶/۱۳ - ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۴۰		سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله	ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۲
۴۱		سیاست‌های کلی نظام اداری	ابلاغی و مصوب ۱۳۸۹/۱/۱۴
۴۲		سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	ابلاغی - مصوب ۱۳۸۹/۴/۱۴
۴۳		سیاست‌های کلی در بخش امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات	ابلاغی ۱۳۸۹/۱۱/۲۹
۴۴		سیاست‌های کلی نظام در اشتغال	ابلاغی ۱۳۹۰/۴/۲۸
۴۵		سیاست‌های کلی آمایش سرزمین	ابلاغی ۱۳۹۰/۹/۲۱
۴۶		سیاست‌های کلی نظام، در خصوص خودکفایی دفاعی و امنیتی	ابلاغی ۱۳۹۱/۹/۲۹
۴۷		سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی	ابلاغی ۱۳۹۱/۱۱/۲۴
۴۸		سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور	ابلاغی ۱۳۹۲/۲/۵
۴۹		سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۳۰
۵۰		مقررات نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام	ابلاغی ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

ردیف	دسته‌بندی	سند	تاریخ تصویب و ابلاغ
۵۱	سیاست‌های کل نظام (بخشی)	سیاست‌های کلی سلامت	ابلاغی ۱۳۹۳/۱/۱۸
۵۲		سیاست‌های کلی جمعیت	ابلاغی ۱۳۹۳/۲/۳۰
۵۳		سیاست‌های کلی علم و فناوری	ابلاغی ۱۳۹۳/۶/۲۹
۵۴		سیاست‌های کلی «برنامه ششم توسعه»	ابلاغی ۱۳۹۴/۴/۹
۵۵		سیاست‌های کلی «محیط زیست»	ابلاغی ۱۳۹۴/۸/۲۶
۵۶		سیاست‌های کلی خانواده	ابلاغی ۱۳۹۵/۶/۱۳
۵۷		سیاست‌های کلی انتخابات	ابلاغی ۱۳۹۵/۷/۲۴
۵۸		سیاست‌های کلی نظام‌گذاری	ابلاغی ۱۳۹۸/۶/۷

### مرحله سوم: کدگذاری باز

در این مرحله، به هر یک از اجزا، عنوان یا برجستگی اختصاص داده می‌شود که به آن کد گفته می‌شود. در واقع در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم پایه نظریه به وجود می‌آیند. این مفاهیم باید گویای محتوای داده‌ها باشد، به طوری که محقق، با مشاهده این عنوان تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی ببرد.

در مرحله کدگذاری باز، اسناد راهبردی مطالعه و بررسی و در مجموع ۴۹۳ کد به داده‌ها اختصاص داده شد و مفاهیم پایه‌ای شکل گرفت. سپس با استفاده از طبقه‌بندی داده‌ها، در مجموع ۵۰ مؤلفه شناسایی و صورت‌بندی شد. در ادامه، مؤلفه‌های شناسایی شده در دسته‌بندی کلان‌تر در قالب ۱۱ مقوله قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها و انجام کدگذاری‌ها از نرم‌افزار MAXQDA استفاده شده است.

### مرحله چهارم: کدگذاری انتخابی

به عقیده استراوس، کدگذاری انتخابی عبارت است از انتخاب سیستماتیک مقوله‌های اصلی و ارتباط دادن آن‌ها با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند (استراوس و کورین، ۱۹۹۸، ۱۵۴-۱۷۸).



در این مرحله، ارتباط بین مقوله‌ها کشف و استخراج شده و الگوی مفهومی طراحی می‌شود. با توجه به مؤلفه‌های پدیدار شده از دل داده‌ها، در مورد رخدادها و موفقیت‌ها، تصویر غنی‌تری از مفاهیم، مؤلفه‌ها و مقوله‌ها فراهم می‌گردد. در کدگذاری انتخابی، به پالایش یافته‌های قبلی پرداخته می‌شود و با طی این فرایند، در نهایت، چارچوبی نظری پدیدار می‌شود (چارمو و برایانت، ۲۰۰۸: ۳۷۴-۳۷۷).

در این پژوهش برای طراحی الگوی حکمرانی مطلوب از روش مدل‌سازی استراوس و کوربین استفاده شده است. در این مرحله، یکی از مقوله‌ها به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته می‌شود و سایر مقولات ارتباطشان با این مقوله مشخص می‌گردد. در واقع یک مقوله انتخاب شده و در مرکز فرآیند در حال بررسی (به عنوان پدیده مرکزی) قرار داده می‌شود. سپس جایگاه دیگر مقوله‌ها و ارتباطشان با مقوله محوری مشخص می‌گردد. این مقوله‌های دیگر عبارتند از: شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، شرایط علی، راهبردها، و پیامدها.

این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی مدل‌سازی نامیده می‌شود. الگوی مدل‌سازی روابط بین مقوله‌ها را به صورت شماتیک مشخص می‌کند. تعریف انواع مقوله‌ها در این روش مدل‌سازی، عبارتند از:

۱. مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرآیند است.
  ۲. شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.
  ۳. شرایط زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
  ۴. شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.
  ۵. راهبردها: کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.
  ۶. پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها (کرسول<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵، ۲۷۳-۳۰۱).
- در این پژوهش برای مدل‌سازی از روش استراوس و کوربین استفاده شده است. در این روش، یک شاخص یا مقوله به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته می‌شود و سایر مقوله‌ها در کنش و واکنش به آن اعتبار می‌گیرند. برای طراحی این مدل، باید نقش هر یک از شاخص‌ها در مدل

1. Charmaz & Bryant  
2. Strauss & Corbin  
3. Creswell

مشخص شود. برای این امر جدولی طراحی شد و ۵ تن از خبرگان جهت تکمیل تحویل داده شد. این خبرگان ۵ نفر از متخصصین حوزه‌های: مدیریت (۱ نفر)، علوم سیاسی (۲ نفر) و آینده‌پژوهی (۲ نفر) بودند.

این جدول در ستون مقوله‌ها قرار گرفت و در سطر، نقش مؤلفه (علی، محوری، زمینه‌ای و...) و در نهایت در یک پیل خبرگی در فرایند سیستماتیک و نظام‌مند، مؤلفه‌ها مورد کنکاش واقع شده و ارتباطات درونی آن‌ها با یکدیگر مشخص گردید و در نهایت، مدل نهایی استخراج شد.

## یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج کدگذاری باز در مرحله اول، در مجموع ۴۹۳ مفهوم شناسایی شد. نمونه این کدها در جدول شماره (۴) نشان داده شده است:

جدول ۴. نمونه کدگذاری باز

ردیف	کد محوری	کد باز
۱	حفظ و حراست از آزادی‌های مشروع	محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی
۲	حفظ و حراست از آزادی‌های مشروع	تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
۳	بسترسازی مشارکت و نقش‌آفرینی مردم و توسعه نهادهای مردمی	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش
۴	حفظ و حراست از آزادی‌های مشروع	در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است.
۵	حمایت از مالکیت و استیفای	جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد

ردیف	کد محوری	کد باز
	حقوق فردی	غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند
۶	حفظ و ارتقاء منزلت اجتماعی آحاد مردم	اصل ۲۰ - همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند
۷	حمایت از مالکیت و استیفای حقوق فردی	تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار دارد
۸	حمایت از مالکیت و استیفای حقوق فردی	حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند

در ادامه این مفاهیم در قالب ۵۰ مؤلفه دسته بندی شدند و در نهایت، مؤلفه ها در ۱۱ مقوله قرار گرفتند. در جدول (۵) مؤلفه ها و مقوله ها و فراوانی نشان داده شده است. جدول ۵. نقش ها و مؤلفه های آن ها در حکمرانی مطلوب

عرصه	شاخص ها	مؤلفه ها	تعداد کدها
داخل کشور	کرامت (۳) <sup>۱</sup>	حفظ و ارتقاء منزلت اجتماعی آحاد مردم	۱۳
		حفظ و حراست از آزادی های مشروع	۱۵
		بسترسازی مشارکت و نقش آفرینی مردم و توسعه نهادهای مردمی	۱۷
		حمایت از مالکیت و استیفای حقوق فردی	۲۲
تربیت		حفظ و ارتقاء معرفت و ارزش های دینی و انقلابی	۳۳
		تحکیم بنیاد خانواده و ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی	۱۴
		ارتقاء سطح علم و آگاهی و بسترسازی رشد استعدادها	۲۰
		ترویج و تقویت روحیه جهادی، ایثار و شهادت طلبی	۷

۱. اعداد نمایش داده شده ذیل شاخص ها، نمایشگر فراوانی شاخص کلی می باشند.

تعداد کدها	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	عرصه
۸	ترویج و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری، کار و تعاون		
۹	مقابله با جنگ نرم، تهاجم فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی		
۸	ایجاد روحیه وحدت و همبستگی ملی		
۲	بسترسازی تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر		
۹	تأمین اجتماعی، رفع فقر و محرومیت‌زدایی	معیشت	
۶	تأمین مسکن، غذا و امنیت غذایی		
۱۴	تسهیل کسب و کار و رفع بیکاری		
۵	ارتقاء کیفیت در خدمات‌رسانی عمومی		
۵	ارتقاء سلامت فردی، بهداشت عمومی و حفظ محیط زیست		
۸	رشد سرانه درآمد خانوار و مهار تورم	عدالت (۷)	
۹	کاهش اختلافات طبقاتی و نابرابری درآمدی		
۲۰	برقراری عدالت توزیعی		
۱۲	مبارزه با رانت، تبعیض و فساد	امنیت (۳)	
۸	حفظ تمامیت ارضی کشور و مقابله با انواع تهدیدات نظامی و امنیتی		
۵	گسترش دیپلماسی دفاعی و دفاع از صلح، ثبات و امنیت کشورهای دوست و همسو		
۶	بسترسازی نقش‌آفرینی دفاعی مردم		
۱۳	ارتقای بنیه و توان امنیتی و دفاعی	پیشرفت (۷)	
۱۰	رشد تولید ملی و خودکفایی		
۱۴	توسعه اقتصاد دانش بنیان و تولید فناوری		
۱۲	پژوهش، تولید علم و جنبش نرم‌افزاری		

تعداد کدها	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	عرصه
۸	تلاش در جهت ایجاد وحدت و همگرایی کشورهای اسلامی	ایمان اسلام	خارج کشور
۶	حمایت مادی و معنوی از کشورها، جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی		
۲	تلاش در جهت پیشرفت کشورهای اسلامی و ایجاد نهادهای بین‌المللی اسلامی		
۶	الگوسازی و هدایت کشورهای اسلامی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی		
۵	حمایت از ملت‌ها، نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواه در مقابل دولت‌های مستکبر	مستضعفین	خارج کشور
۱۰	حمایت از کشورهای مظلوم در مقابل با نظام سلطه		
۱۱	حفظ استقلال، عزتمندی و اقتدار بین‌المللی	نظام سلطه	خارج کشور
۱۵	مقابله با افزونه‌خواهی و زورگویی		
۲	مقابله با تک قطبی یا چند قطبی شدن جهان		
۳	کسب تجربیات موفق در رشد و توسعه ملی	سایر کشورها	خارج کشور
۲	توسعه دیپلماسی عمومی و آشناسازی با فرهنگ ایرانی-اسلامی		
۵	بسترسازی سرمایه‌گذاری مشترک		
۲	پرهیز از تنش‌زایی		
۲	ایجاد و مشارکت نهادها و تشکل‌های مشترک بین‌المللی	سازمان‌های بین‌المللی	خارج کشور
۲	هدایت سازمان‌ها در جهت تقویت اسلام و امت اسلامی		
۲	تلاش در جهت دهی این سازمان‌ها برای ایجاد صلح جهانی	هدای ت	

تعداد کدها	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	عرصه
۶	اصلاح نظامات و رژیم‌ها، ساختار و ترکیب اعضای سازمان‌های بین‌المللی	(۱)	

با توجه به نتایج کدگذاری، حکمرانی جمهوری اسلامی باید در ۶ عرصه نقش آفرینی کند. در جدول شماره (۶)، تعاریف این نقش‌ها آورده شده است:

جدول (۶): تعاریف نقش‌های حکمرانی مطلوب

ردیف	عرصه	نقش	تعریف نقش
۱	داخل کشور	کرامت	حراست از حقوق انسانی، آزادی‌های مدنی و منزلت اجتماعی
۲		تربیت	رشد و تعالی حقیقی انسان‌ها در ابعاد ارزشی، اجتماعی و حرفه‌ای
۳		عدالت	برقراری مواسات در رویه‌ها، منابع، امکانات و مبارزه با فساد
۴		امنیت	مقابله با تهدیدات و ناامنی‌های داخلی و خارجی
۵		معیشت	رفاه عمومی و ارتقاء سطح معیشتی آحاد جامعه
۶		پیشرفت	خودکفایی و توسعه علم و فناوری
۷	جهان اسلام	امامت	راهبری، پیشروندگی و پیش‌برندگی مسلمانان و کشورهای اسلامی
۸	مستضعفین جهان	حمایت	حمایت مادی و معنوی از افراد، گروه‌ها و ملت‌های مظلوم
۹	نظام سلطه	مقاومت	مقابله و مبارزه با کشورهای سلطه‌گر و مستکبر
۱۰	سایر کشورها	شراکت	تعامل و مشارکت اقتصادی، فرهنگی و... با کشورهای غیر متخاصم
۱۱	سازمان‌های بین‌المللی	هدایت	اصلاح نظامات، رژیم‌ها و ساختارهای بین‌المللی در جهت ایجاد صلح و تقویت اسلام

### الگوی حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی ایران

الگوی حکمرانی مطلوب جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش مدل‌سازی استراوس و کوربین در شکل (۵) نشان داده شده است:



بر اساس الگوی طراحی شده، شرط علی در حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران نقش کرامت است. بر اساس تعریف، کرامت یعنی حراست از حقوق انسانی، آزادی‌های مدنی و منزلت اجتماعی. بر اساس این الگوی حاکمیتی، جمهوری اسلامی باید به عنوان شرط اساسی به دنبال کرامت انسانی آحاد مردم بوده و با حفظ و حراست از آزادی‌های مشروع و همچنین، مالکیت و استیفای حقوق فردی، زمینه را برای نقش آفرینی مردم در اداره کشور تأمین نماید. این ارزش نهادن به انسان پیش‌ران کلیه نقش‌های حاکمیتی است و به کیفیت ایفای سایر نقش‌ها جهت می‌دهد.

پدیده محوری در الگوی حکمرانی مطلوب، نقش تربیت است. می‌توان گفت نقطه افتراق نظام حکمرانی در جمهوری اسلامی با سایر نظامات حکمرانی همین نقش است. البته برخی از شقوق این نقش، از جمله افزایش آگاهی‌های عمومی، ارتقای سطح سواد جامعه و افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی ممکن است در سایر الگوها نیز وجود داشته باشد، ولی اولاً دال مرکزی آن‌ها نیست و ثانیاً سایر ابعاد معنوی که بخش عمده‌ای از شقوق این نقش بوده را در بر نمی‌گیرد. حفظ و ارتقاء معرفت دینی و انقلابی، تحکیم خانواده و ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی، تقویت روحیه جهادی، ایثار و شهادت‌طلبی، بسترسازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با تهاجم فرهنگی را می‌توان جزو این دسته از کارکردهای حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی در نظر گرفت.

از منظر شرایط زمینه‌ای در مدل‌سازی به روش استراوس و کوربین، نقش امنیت نقش اساسی است. در همه نظام‌های حکمرانی، این نقش را می‌توان به عنوان شرط زمینه‌ای در نظر گرفت، چراکه تا امنیت نباشد، عرصه برای ایفای سایر نقش‌های حاکمیتی وجود نخواهد داشت. از دیرباز حفظ تمامیت عرضی هر کشور به عنوان شاخصه اصلی قدرت و استقرار حکومت‌ها مطرح بوده است که این امر از طریق ارتقاء بنیه دفاعی و ارتباط با کشورهای همسایه برای تشکیل جبهه‌های قدرتمند و حمایت متقابل از یکدیگر میسر می‌گردد.

در آیات قرآن نیز به موضوع ارتقاء بنیه دفاعی حکومت اسلامی اشاره شده است که این خود اهمیت این موضوع را نمایان می‌سازد. خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید:



« وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (٦٠) »

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [= دشمنان] آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد!

نقش شراکت با کشورهای غیرمتخاصم به عنوان شرایط مداخله‌گر در الگوی حکمرانی مطلوب در نظر گرفته شده است. ارتباط با سایر کشور می‌تواند برای حاکمیت هم فرصت باشد و هم تهدید؛ از این جهت، مداخله جدی در ایفای نقش‌های حاکمیتی دارد. نقش شراکت به معنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و تنش‌زدایی در روابط بین دو کشور و بهره‌گیری از تبادلات اقتصادی و توسعه و بازنمایی فرهنگ و تمدن اسلامی در سایر کشورهاست.

در آیات متعددی از قرآن کریم به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با سایر ادیان و سایر اقوام اشاره شده است. منطبق بر دستورات دینی، باید با کشورها و اقوامی که با نظام اسلامی مخاصمه ندارند، با سلم و رأفت برخورد شود. شراکت در مسائل مختلف فرهنگی و اجتماعی با حفظ و پابندی به قاعده نفی سیبیل، منجر به توفیق نظام اسلامی شده و این ارتباطات سازنده در دراز مدت می‌تواند بستر توسعه نرم مکتب انقلاب اسلامی را نیز فراهم آورد.

نقش‌های راهبردی نقش‌هایی هستند که پس از پدیده محوری، اگر مورد تمرکز در حاکمیت قرار گیرند، پیش‌ران ایفای نقش‌های پیامدی می‌گردند. این نقش‌ها شامل پیشرفت، مقاومت و عدالت هستند. به عبارتی پس از تربیت انسانی، نظام حاکمیتی باید با استفاده از همین انسان‌های رشد یافته و تربیت شده بکوشد بر این سه نقش راهبردی استمرار ورزد تا بتواند به اهداف مدنظر خود دست یابد.

پیشرفت در همه زمینه‌ها، جنبش نرم‌افزاری، تولید علم و فناوری از یک سو و برقراری عدالت در همه زمینه‌ها از سوی دیگر و در عین حال، مقابله با نفوذ و حفظ استقلال کشور می‌تواند منجر

به دستیابی کشور به آرمان‌های تعالی بخش خود شود. بر این اساس، نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در عرصه مواجهه با نظام سلطه، باید نقش مقاومت را ایفا کند. نقش مقاومت به معنای مقابله با افزونه‌خواهی و سلطه‌گری در ابعاد مادی و معنوی کشورهای سلطه‌گر و دفاع از حاکمیت خود و سایر کشورهای مستقل در مقابل آنان است. آیه ۱۹۳ سوره بقره که در همین بخش ذکر شد، مؤید این نقش است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِنَّا عَلَى

الظَّالِمِينَ»

و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس؛ و اگر (از فتنه) دست کشیدند، (با آن‌ها عدالت کنید که) تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

حفظ استقلال و حراست از اصول اساسی، مقابله با افزونه‌خواهی و زورگویی، افزایش عزتمندی و اقتدار بین‌المللی، تلاش برای خروج نظامی از منطقه، مقابله با تک قطبی یا چند قطبی شدن جهان و جلوگیری از نفوذ و سلطه در کشور، مؤلفه‌های کلیدی این نقش است.

در انتهای الگو نیز نقش‌های پیامدی جمهوری اسلامی قرار دارد. پس از ایفای نقش‌های راهبردی، بستر ایفای نقش‌های پیامدی فراهم می‌گردد. این نقش‌ها، شامل: معیشت، امامت، حمایت و هدایت می‌باشند. معیشت یکی از اصلی‌ترین کارکردها در هر نظام حکمرانی است. این شاخص به عنوان اصلی‌ترین شاخص در نظریه حکمرانی خوب در نظر گرفته شده و سایر نقش‌ها یا در حاشیه هستند یا اصلاً وجود ندارند.

حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی، خود را موظف به ایفای این نقش می‌داند و این طور نیست که وظیفه‌ای نسبت به آن نداشته باشد؛ ولی این نقش، نقش پیامدی است؛ یعنی با تکیه بر نقش‌های پیشین، بخش زیادی از آن فراهم می‌گردد. رفع فقر و بیکاری، توسعه کسب و کارهای خدمت‌رسانی عمومی، تأمین مسکن، غذا، دارو و... جز وظایف لاینفک حاکمیت در این الگو است.

از سوی دیگر نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهان اسلام باید نقش امامت را ایفا کند. نقش امامت به معنای راهبری، پیش‌روندگی و پیش‌برندگی مسلمانان و کشورهای اسلامی در دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی است. امامت همان‌گونه که در معنای آن نهفته

است، متضمن پیش‌قراولی و پیش‌روندگی است. نظام جمهوری اسلامی در نقش امامت باید در تمام زمینه‌های مادی و معنوی پیشرو بوده و سایر کشورهای اسلامی را مانند لوکومیتیو یک قطار پیش بکشد. خداوند در آیه ۱۴۳ سوره بقره می‌فرماید:

« وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

شَهِدًا »

و همان‌گونه [که شما را به راه راست هدایت کردیم]، شما را امتی میانه [و معتدل و پیراسته از افراط و تفریط] قرار دادیم تا [در ایمان، عمل، درستی و راستی] بر مردم گواه باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد.

بنا به تفسیر آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، تعبیر به گواه بودن امت اسلامی بر مردم جهان و همچنین گواه بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به مسلمانان، اشاره به اسوه و الگو بودن است، چرا که گواهان و شاهدان را همیشه از میان افراد نمونه انتخاب می‌کنند؛ یعنی شما با داشتن این عقاید و تعلیمات، امتی نمونه هستید؛ همان‌طور که پیامبر در میان شما یک فرد نمونه است. با استناد به تفسیر این آیه قرآن، دولت و ملت در جمهوری اسلامی، باید گواه، شاهد و هادی سایر مردم و دولت‌ها قرار گیرند. در واقع دولت و ملت لازم است در یک حرکت ایجابی با الگوسازی، زمینه اصلاح سایر ملت‌ها را فراهم سازند.

در عرصه مستضعفین جهان، نقش حمایت به عنوان نقش اساسی در نظر گرفته شده است. نقش حمایت به معنای کمک‌رسانی مادی و معنوی به هر فرد، گروه، جامعه و کشور در جهان است که مورد ظلم واقع می‌شود؛ بخصوص از جانب نظام سلطه. احادیث متعددی در دفاع از مظلوم در مقابل ظالم وجود دارد و طبق نظر علمای دین، دفاع از مظلوم در مقابل ظالم از ضروریات دینی است. در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است:

« مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ »<sup>۱</sup>

هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد، مسلمان نیست.

۱. الکافی: ج ۲، ص ۱۶۴.

در شرح این حدیث آمده که این ندا مختص مسلمانان نیست و هر فردی با هر مسلک و دینی در هر کجای عالم را شامل می‌شود. این یکی از ده‌ها حدیث مرتبط با این موضوع در متون دینی است. در نتیجه به تبع این ضرورت دینی، یکی از نقش‌ها و شاخص‌های نظام حکمرانی مطلوب، یاری رساندن به مظلومین و مستضعفین در هر کجای عالم و با هر دین و مسلکی در مقابل ظالم می‌باشد.

در عرصه سازمان‌های بین‌المللی نیز نقش هدایت به عنوان نقش اساسی در نظر گرفته شده است. همان‌گونه که نظام حکمرانی پیامبر در ابتدای تشکیل خود با مکاتبه با امپراتوری‌های زمان خود در جهت اصلاح و هدایت آنان برآمد، در عصر حاضر بسیاری از قدرت‌های جهان در نهان سازمان‌های بین‌المللی نهفته است.

نقش نظام حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران در قبال این سازمان‌ها، کنش هدایتگری است. این نقش به معنای اصلاح ساختارها، ترکیب اعضای این سازمان‌ها، تشکیل اتحادیه‌ها و نهاد‌های فراملی از یک سو و از سوی دیگر اصلاح نظامات و قوانین و مقررات بین‌المللی جهت ایجاد صلح و صلاح جهانی است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم حکمرانی به اداره عمومی یک سازه اجتماعی و تنظیم چگونگی ارتباطات میان ذینفعان در آن اشاره دارد. حکمرانی مفهومی کیفی است که متناسب با فرهنگ‌ها و نظامات فکری مختلف باز تعریف خواهد شد. حکمرانی خوب نظریه‌ای نوظهور در مدیریت دولتی است که در مقایسه با الگوهای سنتی و مدرن مدیریت دولتی نقش‌های متفاوت و بعضاً متناقضی را برای حاکمیت قائل است. مشارکت سایر بازیگران و ذینفعان در اداره امور و نقش‌های تسهیلگری و تنظیم‌گری، کارکردهای جدیدی است که مرکز ثقل این رویکرد قرار دارد.

با توجه به اینکه مفهوم خوبی مفهومی هنجاری است، در نتیجه مبتنی بر ارزش‌ها و الگوهای ذهنی نظریه‌پردازان طرح و ارائه خواهد شد. الگوی مطلوب حکمرانی برای نظام سیاسی کشور ما هم مستثنی از فرهنگ، مذهب و بوم آن قابل ارائه نیست. از سوی دیگر دستیابی به حکمرانی مطلوب در نظام جمهوری اسلامی ایران، مستلزم ایجاد و گفتمان تصویر بین‌الذنهانی از نقش‌ها و

شاخص‌های آن است. با توجه به اینکه شاخص‌سازی از حکمرانی مطلوب مبتنی بر یک نظام مبنایی و متأثر از الگوی ذهنی طراحان آن است، ضروری است حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی جداگانه و فارغ از مسیر تدوین سایر الگوهای حکمرانی طراحی و ارائه شود.

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه حکمرانی در کشور در چند دسته قابل ارائه هستند؛ گروه اول پژوهش‌هایی هستند که شاخص‌های حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی معرفی شده است را معرفی نموده و وضعیت آن‌ها را در کشور تحلیل کرده و نتایجی در این باره ارائه می‌دهند. گروه دوم پژوهش‌هایی هستند که اثرات یکی از شاخص‌های حکمرانی را بر حوزه‌ای مشخص بررسی می‌کنند. در نهایت، گروه سوم پژوهش‌هایی هستند که پا را فراتر از چارچوب مرسوم معرفی شده توسط نهادهای بین‌المللی گذاشته و به ارائه شاخص‌های جدید پرداخته‌اند.

در غالب پژوهش‌های صورت گرفته به مدل‌سازی حکمرانی مطلوب پرداخته نشده است و صرفاً شاخص‌هایی را مبتنی بر یک متن پایه ارائه داده‌اند؛ اما در این پژوهش بر اساس مدل استراوس و کورین به مدل‌سازی پرداخته شده است. از سوی دیگر اغلب پژوهش‌ها یک متن محوری (نهج‌البلاغه، بیانات شخصیت‌های مرجع و...) را مبنا قرار داده و بر اساس آن شاخص‌ها را معرفی کرده‌اند، ولی در این پژوهش اسناد راهبردی کشور به عنوان متن محوری مورد استفاده قرار گرفته شده است.

در گام اول با مصاحبه‌های صورت گرفته شاخص‌هایی برای انتخاب متن و محتوای پایه برای این موضوع مشخص شد و بر اساس آن، متون پایه ارزیابی و انتخاب شدند. این شاخص‌ها عبارت بودند از:

۱. اتقان (علمی و دینی)
۲. رسمیت (قانونی، مصوب و ابلاغی)
۳. جامعه‌پذیری (شناخت و پذیرش عمومی)
۴. به روز (متناسب با مقتضیات امروزی)

اسناد بالادستی در نظام جمهوری اسلامی با توجه به داشتن چهار ویژگی کلیدی فوق، به عنوان مبنا برای طراحی الگوی مطلوب حکمرانی قرار گرفتند. در ادامه با استفاده از روش تحقیق

کیفی داده‌بنیاد که روشی سیستماتیک و نظامند در پرداخت به پژوهش‌های کیفی است، اسناد بالادستی مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار گرفت.

در مرحله کدگذاری باز، ۴۹۳ کد باز در قلب مفاهیم شناسایی شدند. در ادامه فرایند با بررسی موشکافانه جهت یافتن ارتباط بین مفاهیم، ۵۰ مؤلفه انتخاب شد که مفاهیم ذیل آن‌ها طبقه‌بندی شد. سپس با تأمل و بررسی دقیق‌تر، این مؤلفه‌های ۵۰ گانه در قالب ۱۱ مقوله دسته‌بندی شد که این مقولات عبارتند از: کرامت، تربیت، عدالت، امنیت، معیشت، پیشرفت، امامت، حمایت، هدایت، مقاومت و شراکت.

این شاخص‌ها را می‌توان به عبارتی نقش‌های نظام حکمرانی جمهوری اسلامی در قبال عرصه‌های متناظر خود در نظر گرفت. عرصه‌های نقش‌آفرینی در هر نظام حکمرانی دوگانه بوده که بخشی ناظر به داخل کشور و بخشی در سطح بین‌المللی و خارج از کشور می‌باشد. اکثر مدل‌سازی‌ها در حوزه حکمرانی معطوف به نقش‌آفرینی درونی حاکمیت شده‌اند و بخش بیرونی حتی در شاخص‌سازی‌های نهادهای بین‌المللی نیز مغفول واقع شده است. بنابراین این پرداخت توأمان با شاخص‌های داخلی و خارجی، یکی از نوآوری‌های این پژوهش می‌باشد.

در تقسیم‌بندی اولیه مبتنی بر عرصه‌ها، حاکمیت نسبت به مردم در داخل کشور باید نقش‌های پنجگانه کرامت (حفظ کرامت انسان‌ها، حقوق شهروندی، آزادی‌های مدنی و منزلت اجتماعی)، تربیت (رشد و تعالی حقیقی انسان‌ها در ابعاد ارزشی، اجتماعی و حرفه‌ای)، عدالت (برقراری مواسات و برابری در رویه‌ها و امکانات و مبارزه با فساد)، امنیت (حفظ و ارتقاء امنیت)، معیشت (رفاه عمومی و ارتقاء سطح معیشتی آحاد جامعه) و پیشرفت (توسعه و خودکفایی) را ایفا نماید. در تبیین هر یک از نقش‌ها در حکمرانی مطلوب، مؤلفه‌های ذیل آن شاخص می‌تواند مبنای تعریف قرار گیرد.

با توجه به اینکه در وجه فرجام‌شناسی، آرمان جمهوری اسلامی زمینه‌سازی ظهور ولایت عظمی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی شد، در نتیجه نقش‌های بیرونی نظام حکمرانی بسیار حائز اهمیت است. البته این نکته نیز اهمیت دارد که بسیاری از نقش‌های بیرونی، مرتبط و مؤثر از نقش‌آفرینی درونی است؛ به عبارتی نقش‌آفرینی مؤثر و کارآمد در داخل کشور، پیش‌ران نقش‌آفرینی بیرونی خواهد بود؛ زیرا:

## ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش؟

در نقش آفرینی بیرونی، نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با عرصه‌هایی مواجه است؛ این عرصه‌ها عبارتند از: ۱- جهان اسلام ۲- مستضعفین جهان ۳- نظام سلطه ۴- سازمان‌های بین‌المللی ۵- سایر کشورها. در تقسیم‌بندی فوق، مستضعفین جهان کسانی هستند که در جهان مورد ظلم واقع می‌شوند و نظام سلطه، کشورهای قلدر مآب زورگویی هستند که در یک ارتباط مخفیانه و نظام‌مند با یکدیگر سعی در غارت منابع ملت‌ها و بهره‌کشی از آنها در راستای اهداف خود دارند. با توجه به اینکه در روش مدل‌سازی استراوس و کوربین، باید ابتدا پدیده محوری مشخص گردد، در نقش‌های نظام مطلوب حکمرانی پدیده محوری نقش تربیت در نظر گرفته شده است. این بدان معناست که تربیت به نوعی ریشه در همه مقوله‌ها دارد. تربیت انسان‌ها چه در آحاد مردم، چه مدیران و متولیان، می‌تواند پیش‌ران کلیدی نظام حکمرانی مطلوب باشد. لازمه تربیت، نوع نگاه و رویکرد به انسان است. در صورتی که نگاه کرامت محور به انسان‌ها وجود داشته باشد، زمینه تربیت هم فراهم خواهد شد.

در حفظ کرامت انسانی، مؤلفه‌های آزادی و عرصه‌آفرینی برای ایفای نقش می‌تواند بستر شکوفایی استعدادها که عنصر اساسی در تربیت است را فراهم نماید. از سوی دیگر، امنیت عنصر زمینه‌ای در حکمرانی مطلوب در نظر گرفته شده است. در واقع همه نقش‌آفرینی‌های نظام حکمرانی در بستر امنیت در جامعه اتفاق خواهد افتاد و نبود امنیت در جامعه در سایر نقش‌آفرینی‌ها نیز اختلال ایجاد خواهد کرد. در ارتباط با مقوله مداخله‌گر در مدل حکمرانی مطلوب، شراکت به عنوان پدیده مداخله‌گر در نظر گرفته شده است. شراکت می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر فرهنگ و معیشت مردم بر سایر نقش‌های حکمرانی و راهبردها نیز تأثیرگذار باشد. در حوزه راهبردها، سه نقش عدالت، پیشرفت و مقاومت، به عنوان نقش‌های راهبردی در نظر گرفته می‌شود که حول محور تربیت در بستر امنیت و شراکت می‌تواند منجر به بسترسازی نقش‌آفرینی در نقش‌های پیامدی نظام حکمرانی قرار گیرد. چهار نقش معیشت، امامت، حمایت و هدایت، به نوعی نقش‌های پیامدگرا در مدل حکمرانی مطلوب در نظر گرفته می‌شود. این بدان معناست که اگر با رویکرد کرامت محور در بستر امنیت و شراکت با سایر کشور نقش‌آفرینی تربیتی صورت گیرد و راهبردهای عدالت، مقاومت، پیشرفت به صورت فعال‌پیکیری و پیاده‌سازی

شود، بخش اعظمی از نقش معیشت نسبت به داخل کشور، امامت نسبت به جهان اسلام، حمایت نسبت به مستضعفین جهان و هدایت نسبت به سازمان‌های بین‌المللی صورت خواهد گرفت. پیشنهاد می‌شود برای ادامه پژوهش‌ها در این حوزه، در گام اول پیش‌ران‌های دستیابی به این الگو از حکمرانی احصاء گردد. این پیش‌ران‌ها به عبارتی نیروهای محرکه‌ای هستند که می‌تواند به عنوان نقاط عطف در گفتمان‌سازی و پیاده‌سازی این الگوی حکمرانی مورد توجه و اقدام قرار گیرند. در گام دوم، بهتر است نگاشت نهادی نقش‌آفرینان تدوین گردد. در این گام باید با توجه به فلسفه وجودی و مأموریت‌های نهادهای حاکمیتی، نقش هر یک از آنها در پیاده‌سازی این الگو مشخص شود. در گام سوم، شاخص‌های اثربخشی نقش‌ها و اقدامات نهادها طراحی شده و در فرایندی مشارکتی با استفاده از نظرات کلیه ذینفعان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.



## فهرست منابع

- اخوان، پیمان و مصطفی جعفری. (۱۳۸۵). «نظریه‌پردازی و آزمایش نظریه‌ها در حوزه مدیریت دانش». فصلنامه مدیریت فردا: ۳۷-۶۱.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی». مجله مدیریت توسعه و تحول: ۵-۱.
- امامی، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۴). «تئوری حکومتی عصر غیبت بر اساس دیدگاه شیخ مفید (رحمه‌الله)». حکومت اسلامی: ۵۱-۶۸.
- خاکباز، افشین. (۱۳۸۳). بانک جهانی؛ نظرسنجی حکمرانی. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رضایان قبه باشی، احد و معصومه کاظمی. (۱۳۹۳). «تصویرپردازی و کلان تصاویر آینده سیاست جهانی؛ تصویرپردازی روشی مناسب برای شناخت آینده در جهان پیچیده». فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ش ۳: ۱۴۲-۱۶۵.
- شاکری، حمید. (۱۳۹۳). «تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه». اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش‌های دینی. تهران.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه بزرگی. (۱۳۹۲). «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه». فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه: ۱-۱۷.
- طاهری عطار، غزاله و دیگران. (۱۳۸۹). الگوی ملت‌سازی در پرتو حکمرانی خوب. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه علامه طباطبایی.
- ظفری، حسین و دیگران. (۱۳۹۶). «مختصات یابی از تصویر مطلوب حکمرانی زمینه‌ساز ظهور». فصلنامه مدیریت اسلامی: ۱۱-۴۰.
- عیوضی، محمدرحیم و نازنین مرزبان. (۱۳۹۵). «بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (رحمه‌الله)». فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۱۹، ۱۱۷-۱۳۷.
- قلی‌پور، رحمت‌اله. (۱۳۸۳). «تحلیل و امکان‌سنجی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت». فصلنامه دانش مدیریت: ۸۵-۱۱۱.
- کمیجانی، علی و دیگران. (۱۳۹۸). «سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل بخشی آینده». دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال چهارم، ش ۱: ۲۰۷-۲۳۵.
- منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶). «گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟». ویژه‌نامه همایش علم و اطلاعات و جامعه اطلاعاتی. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- منوریان، عباس. (۱۳۷۹). «از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب». مدیریت دولتی: ۴۸-۶۹.

- مهرابی، امیر حمزه و دیگران. (۱۳۹۰). «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی». مدیریت فرهنگ سازمانی: ۵-۳۰.
- ناظمی اردکانی، محمد. (۱۳۸۷). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱: ۶۳-۶۹.
- یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و فهیمه بابایی. (۱۳۹۴). «طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی». فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی: ۳۱-۶۲.
- Bovaird, T., & Löffler, E. (2003). Evaluating the Quality of Public Governance: Indicators, Models and Methodologies. *International Review of Administrative Sciences*, 313-328.
- Charmaz, K., & Bryant, A. (. (2008).). Grounded Theory. In L. M. Given, *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods* California: Sage Publication, pp. 374-377.
- Creswell, j. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. (2nd edition): 273.
- Doornbos, M. (2003). Good Governance: The Metamorphosis of Policy Metaphor. *Journal of International Affairs; No. 1*, 3-17.
- Graham, J. (2003). Principle for Good Governance in the 21 Century. *Policy Brief; No.15*. <http://www.iog. Ca>.
- Hufty, M. (2011). Investigating Policy Processes: The Governance Analytical Framework (GAF). In: *Wiesmann.*, 403-424.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Zoido-Lobaton, P. (1999). Aggregating Governance Indicators.. *World Bank Policy Research WorkingPaper*.
- Naidoo, K. (1993). The Promise of Civil Society.. *Paper presented in World Conference on governance*. Manila, Philippines.
- Rubin, A. (2013). Hidden, Inconsistent, and Influential: Images of the Future in Changing Times.. *Futures*, 45: 538-544.

